

امام رضا(ع) چرا به ایران هجرت کردند؟

مولای من، تو را امام غریب می‌نامند، می‌دانم بد میزبانی بودند و در مهمان‌نوازی وفا نکردند. حال تو میزبان ما هستی؛ میزبان گریه‌ها و نیازها،



مولای من، تو را امام غریب می‌نامند، می‌دانم بد میزبانی بودند و در مهمان‌نوازی وفا نکردند. حال تو میزبان ما هستی؛ میزبان گریه‌ها و نیازها،

غم‌ها و دلتنگی‌های ما هستی. تو که غریبی را احساس کرده‌ای! حال غریبه‌ها به آستان کرم تو چشم دوخته‌اند و به داستان پرمهرت توسل کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، 30 صفر مصادف است با شهادت هشتمین معصوم امام رضا (ع) این امام بزرگوار در یازدهم ذی قعدة سال ۱۴۸ ه. ق، در مدینه منوره متولد شد. نام مبارکش، علی، کنیه آن حضرت، ابوالحسن و دارای القاب متعددی از جمله؛ رضا، صادق، صابر، فاضل، قرة اعین المؤمنین و... هستند، اما مشهورترین لقب ایشان، «رضا» به معنای «خشنودی» است.

امام رضا (ع) پس از 17 سال سکونت در مدینه و تبلیغ دین و ارشاد مردم، با نقشه و حيله مأمون عباسی، راه خراسان را در پیش گرفت.

وقتی حکومت مأمون استقرار پذیرفت. مأمون ضمن نامه‌های متعدد از امام رضا(ع) خواست تا همراه بزرگان علوی به خراسان بیاید و چون با مخالفت امام رو به رو شد، پیکی برای انتقال امام رضا(ع) روانه مدینه کرد. صدوق از مخول سجستانی نقل می‌کند: زمانی که پیکی برای بردن امام رضا(ع) به خراسان وارد مدینه شد، من آنجا بودم. امام برای خداحافظی از رسول خدا(ص) به حرم آمد. او را دیدم که چندین بار از حرم بیرون آمده، دوباره به سوی آرامگاه رسول خدا(ص) بازگشت و با صدای بلند گریست. من به امام نزدیک شده، سلام کردم و علت این امر را جویا شدم. امام در جواب فرمود: «من از جوار جدم بیرون می‌روم و در غربت از دنیا خواهم رفت...»

هجرت امام رضا(ع) یک مهاجرت سیاسی اجباری بود که در سال 200 هجری به دستور خلیفه وقت انجام شد. مسیر هجرت امام از مدینه به مرو چنین است: مدینه، مکه (برخی این شهر را مسیر هجرت نمی‌دانند)، نجا، بصره، اهواز، اربق (اربک)، ارجان (بهبهان)، ابرکوه (ابرقوه)، ده شیر (فراشاه)، یزد، قدمگاه خرائق (مشهدک)، رباط پشت، بادام نیشابور، قدمگاه نیشابور، ده سرخ، طوس، سرخس و مرو.

در جریان هجرت حضرت رضا(ع) سه مساله عمده روی داد که به ترتیب عبارت است از: بیماری آن بزرگوار در اهواز، استقبال مردم در نیشابور و بیان حدیث سلسله الذهب و زندانی شدن در سرخس.

با توجه به استقبال بی نظیر مردم نیشابور از امام رضا(ع) و بیان حدیث سلسله الذهب از سوی آن حضرت، رژیم عباسی چنان شایع کرد که امام رضا(ع) ادعای الوهیت کرده، او را بدین اتهام در سرخس زندانی ساخت. اینکه امام(ع) چه مدت در زندان بود، معلوم نیست. ولی این واقعه نشان می‌دهد که پذیرش ولایتعهدی امری تحمیلی بود. با ورود امام به مرو، مأمون برای انجام یافتن نقشه‌اش استقبال باشکوهی از امام به عمل آورد و پس از پذیرش ولایتعهدی از سوی امام، به نام امام سکه زد.

امامت امام رضا (ع) و اوضاع سیاسی زمان حضرت

مدت امامت امام هشتم در حدود 20 سال بود که می‌توان آن را به سه بخش جداگانه تقسیم کرد: 10 سال اول امامت آن حضرت، که همزمان بود با زمامداری هارون. پنج سال بعد از آن که مقارن با خلافت امین بود. پنج سال آخر امامت آن بزرگوار که مصادف با خلافت مأمون و تسلط او بر قلمرو اسلامی آن روز بود.

شهادت امام رضا(ع)

در نحوه به شهادت رسیدن امام نقل شده است که مأمون به یکی از خدمتکاران خویش دستور داده بود تا ناخن‌های دستش را بلند نگه دارد و بعد به او دستور داد تا دست خود را به زهر مخصوصی آلوده کند و در بین ناخن‌هایش زهر قرار دهد و اناری را با دستان زهرآلودش دانه کند و او دستور مأمون را اجابت کرد. مأمون نیز انار زهرآلوده را خدمت حضرت گذارد و اصرار کرد که امام از آن انار تناول کنند. اما حضرت از خوردن امتناع فرمودند و مأمون اصرار کرد تا جایی که حضرت را تهدید به مرگ نمود و حضرت به جبر، قدری از آن انار مسموم تناول فرمودند. بعد از گذشت چند ساعت زهر اثر کرد و حال حضرت دگرگون شد و صبح روز بعد در سحرگاه روز 30 صفر سال 203 هجری قمری امام در سن 55 سالگی به شهادت رسیدند. به قدرت و اراده الهی امام جواد (ع) فرزند و امام بعد از آن حضرت به دور از چشم دشمنان، بدن مطهر ایشان را غسل داده و بر آن نماز گزارند و پیکر پاک ایشان با مشایعت بسیاری از شیعیان و دوستداران آن حضرت در مشهد دفن گردید و قرن‌هاست که مزار این امام بزرگوار مایه برکت و مباهات ایرانیان است.

مختصری از کلمات حکمت‌آمیز امام هشتم

دوست هر کس عقل اوست و دشمن هر کس جهل و نادانی و حماقت است. علم و دانش همانند گنجی می‌ماند که کلید آن سؤال است، پس بپرسید. خداوند شما را رحمت کند زیرا در این امر چهار طایفه

دارای اجر می‌باشند: 1- سؤال کننده 2- آموزنده 3- شنونده 4- پاسخ دهنده.
مهرورزی و دوستی با مردم نصف عقل است.
چیزی نیست که چشمانت آن را بنگرد مگر آنکه در آن پند و اندرزی است.
نظافت و پاکیزگی از اخلاق پیامبران است.
منابع:

الحياة السياسية للإمام الرضا عليه السلام

تاریخ الخلفاء

تاریخ التمدن الاسلامی

عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، ج 2